



آیت الله حسین نوری

## دراہریشہ کن ساختن فقر

### فاجعہ بزرگ بشریت

قسمت سی و چہارم

حملہ و هجوم لشکر فقر بہ زانو در میآیند و ناگزیرتن بہ ذلت و پریشانی میدهند!

چہ بسا افرادی کہ در نتیجہ عوامل غیر مساعد اقتصادی و یا انحطاط فرهنگی و یا اسباب سیاسی از ابتدائی ترین امکانات بهداشتی و درمانی محروم و بہ سخت ترین بیماریہا مبتلا هستند کہ بہیچوجہ قدرت مداوا و معالجہ ندارند و در نتیجہ یا با فرسودگی و بیماری زندگی می کنند و یا تسلیم مرگ می گردند.

و در مقابل آنها افرادی پیدا میشوند کہ ہمہ نوع امکانات فرهنگی و تربیتی و بہترین رژیم غذایی و درمانی را در اختیار دارند و اگر مختصرنقاہتی متوجہ آنها شود میتوانند برای معالجہ خود گروہی از بہترین اطباء را بسیج کنند.

برای نمونہ یکی از افرادی کہ مذتی در منطقہ سینتان و بلوچستان فعالیت کردہ بود می گفت: یکبار مردی دخترش را در حالی کہ از درد «آپاندیس» می نالید روی الاغی سوار کرد و بطرف نزدیکترین درمانگاہ را افتاد. میدانید کہ بیمار مبتلا

استعدادہائی کہ میتوانند در آیندہ سرمایہ های عظیمی برای کشور و دنیای علم و جہان بشریت باشند. اگر اینہا در آتش فقر گذاختہ نمیشدند و سیاستہای استکباری بر سر آنها سایہ نمی افکند و در پرتو عوامل فرهنگ صحیح انسانی و تربیت اساسی قرار می گرفتند و نیروہای آنها رشد می کرد، و استعدادہای آنان شکفتہ میشد، از میان آنها سیاستمداران راستین، فقیہان، محققان، متفکران، مبتکران، مخترعان و مکتشفانی بر میخاست و مائند محقق، علامہ، سید مرتضی، ابوریحان، خواجه نصیر، شیخ طوسی، ابن سینا، سید جمال الدین، و مدرس صحنہ ہائی از افق زندگی بشر را روشن میساخت و تحولی ایجاد می کرد.

چہ بسا اشخاصی کہ نیروی کار و خلاقیت و ابتکار دارند ولی چون وسائل و امکانات در اختیارشان قرار دادہ نشدہ است نیروہای آنها تعطیل و راکد و بیکار میماند و در نتیجہ روز بروز ناچار در برابر

لقمان، آن حکیم بزرگ الہی، در ضمن پنڈہای ارزندہ ای کہ در اختیار فرزندش می گذاشت بہ وی گفت:

فرزندم من در زندگی انواع سختیہا را کشیدم و تلخیہا را چشیدم ولی چیزی سخت تر و تلخ تر از فقر ندیدم!

راستی چہ عبارت پر محتوایی است! زیرا مسألہ فقر ہر چند ذاتاً یک مسألہ اقتصادی است ولی ہرگز یک مسألہ یک بُعدی نیست از طرفی با اوضاع طبیعی و از طرف دیگر با انواع سیاست ہا و حکومت ہائی کہ بر بشریت سایہ می افکنند مربوط است.

چنانکہ از جہت دیگر بسا فرهنگ های مختلف انسانہا نیز ارتباط پیدا می کند.

و لذا این فاجعہ بزرگ را باید از دید گاہہای مختلف مورد بحث و مطالعہ قرار داد.

چہ بسا در میان فرزندان ہمین فقرای محروم رنج کشیدہ، بہترین نیروہا، سرشارترین استعدادہا وجود دارد نیروہا و

به «آپاندیس» نباید با تکان خوردنهایی به این شکل مواجه باشد آن هم در آن جاده‌ها و راه‌هایی که مدام باید از چاله در آمد و به چاه فرو رفت. بیمار مینالید و پیر مرد مضطرب بود و حیوان بارکش هر چه تندتر میرفت! طولی نکشید که آپاندیس دخترک ترکید و... پیرمرد بی چاره با کوهی از غم و رنج بر دوش، جنازه بی جان دختر بیمار و نوجوانش را از نیمه راه برگرداند!!

بطور خلاصه عوارض فقر و گرسنگی منحصر به آنچه در مقاله‌های سابق گفتیم و آثار کمبود پروتئین، مواد معدنی و ویتامین‌ها را در جهت تولید امراض گوناگون جسمی روانی عصبی استخوانی و مرگ و میرهای زودرس شرح دادیم نیست بلکه این فاجعه بسیار درد آمیزتر از این است.

در این مورد برای مجسم کردن این فاجعه بزرگ بیاد گویاترین کلمات و رساترین عبارات که کلمات و عبارات حضرت امیرمؤمنان علیه السلام است میافتم که میفرمود:

الفقر یخرس الفطن عن حجتة والمقل  
غریب فی بلدته<sup>۱</sup>

یعنی: فقر و تنگدستی، زیرک را از بیان دلیل و منطق خود، لال می گرداند و بینوا و فقیر در شهر خود، غریب است.

و نیز میفرمود: الغنی فی الغربة وطن و  
الفقر فی الوطن غریبه<sup>۲</sup>

یعنی: توانگری و دارائی در غربت وطن و فقر و تنگدستی در وطن غربت است.

و باز میفرمودند: استعد بالله من الفقر فان  
الفقر منقصة للذین قد هسه للعقل داعية  
للمقت<sup>۱</sup>

یعنی: از فقر و تنگدستی به خدا پناه ببر، زیرا آن موجب شکست و کمبودی در دین است و جای سرگردانی و ضعف خرد و برانگیزاننده دشمنی و عداوت است.

در این کلمات رسا مخصوصا این تعبیر که فقر در دین انسان نیز نقصان و انحراف ایجاد می کند بسیار مهم است زیرا فقر همانطور که موجب عوارض نامبرده می گردد با ارتکاب فحشاء و خلاف نیز ارتباط دارد چه بسا افرادی که در اثر فقر (و نداشتن قدرت ایمان) دست به ارتکاب فحشاء و خلاف میزنند و دامن روح خود را به انواع گناهان آلوده میسازند.

در این مورد از جمله مسائلی که توجه بآن نیز لازم است این است که «فقر» بیش از همه کودکان را مورد هجوم خود قرار میدهد و آن مزاجهای مستعد و استعدادهای لطیف و نیروی در حال رشد

و شکوفائی را که خداوند بزرگ در وجود آنها قرار داده است تضعیف می کند و

اگر در برابر این هجوم سهیمین از بین نرفتند و جان سالم بدر نبردند اوضاع اسفناک گوناگون دیگری در انتظار آنها است که برای نمونه یکی از آنها را در مطبوعات با این قبیل عنوان‌ها میخوانیم:

### وضع اسفناک کودکان در کشورهای

#### جهان سوم:

بر اساس گزارش سازمان بین‌المللی کار در ۱۹۷۷ متجاوز از ۵۴/۵ میلیون کودک کمتر از ۱۵ سال در سراسر جهان

به کار مشغول بوده که از این عده ۳۰/۵ میلیون در آسیای جنوبی ۹/۵ میلیون در آسیای جنوب شرقی ۹/۶ میلیون در آفریقا و ۳/۴ میلیون در آمریکای لاتین بوده است این رقم در عرض ۲ سال یعنی تا ۱۹۷۹ بر اساس گزارش همین سازمان به ۱۰۰ میلیون کودک رسید.<sup>۵</sup>

و علی‌رغم ادعاهای سازمان «یونیسف» و اعلام بیانیه‌هایی از قبیل «روز جهانی کودک» هر ساله اوضاع بدتر هم شده است به طور مثال در فاصله یکسال از تعیین چنین روزی یعنی تا ۱۹۸۰ طبق گزارش خود «یونیسف» ۱۲ میلیون از ۱۲۰ میلیون کودک متولد شده در این سال بدلیل سوء تغذیه و فقر تلف شدند که ۹۵٪ آن متعلق به جهان سوم در آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین بود.<sup>۶</sup>

بعبارت دیگر با یک ضرب و تقسیم ساده به این نتیجه وحشتناک و غم انگیز می‌رسیم که در هر ۵ ثانیه یک کودک از گرسنگی مرده است.

با این توصیف اعلام «روز جهانی کودک» چه معنائی میتواند داشته باشد زمانی که میتوان تنها با ۶۰۰ «فرانک» جان یک کودک را نجات داد اینهمه خرجهای سنگین بابت تسلیحات و مواد مصرفی تجملی و... چه مفهومی دارد؟ بیان دردهای واقعی امریست که سازمان «یونیسف» و سازمانهای دیگر کمتر بدان پرداخته‌اند و یا اصلا نپرداخته‌اند.

در هندوستان ۱۶/۵ میلیون کودک در کارگاههای دخمه مانند روزی ۱۲ ساعت کار می کنند تا مزدی حدود ۲/۵ روپیه در روز بگیرند در مرکز کیریت سازی واقع در منطقه «سی واکازی» جنوب هند ۴۵ هزار کودک

کار می کنند که بعضی از آنها فقط ۵ سال دارند این کودکان با دستهای کوچک خود گوگرد بر سر چوبهای کبریت می گذارند.<sup>۷</sup>

در پاکستان اکثر کودکان از سن ۶ سالگی و کمتر، روزانه ۱۲ ساعت در کارگاههای قالببافی کار می کنند که

کار می کنند که ۹۰ درصد آنها به علت فقر شدید خانواده مجبور به کار کردن هستند.<sup>۸</sup>

در «هنگ کنگ» اکثر کارخانه ها مجهز به سیستم مدرن آذیر هستند که به محض ورود یک بازرس تمام کودکان را پنهان می کنند سودجویی در خرید و



گذشته از مزد کم، بدلیل ظریف بودن انگشتهایشان، سرعت بافت سریعتری داشته و سود بیشتری عاید کارفرما می کنند.

اگرچه دولت ها در همه این کشورها ظاهراً کار کردن کودکان زیر ۱۴ یا ۱۲ ساله را منع کرده اند ولی در عمل نه تنها این قانون اجرا نشده بلکه هر روز دامنه این بی قانونی وسیعتر هم گردیده و حتی در بعضی جاها مانند «تایلند» علیرغم ممنوعیت فوق، خود دولت بیش از ۲ هزار کودک کمتر از ۱۲ ساله را در بخش خدمات بکار گرفته است. در این کشور طبق گزارش بانک جهانی در ۱۹۷۸، بیش از ۲ میلیون کودک ۱۱ تا ۱۴ ساله

مراکش دختران کمتر از ۱۲ سال در مقابل مزد بسیار ناچیز در کارگاههای قالببافی کار می کنند. دختران و پسران فلسطینی ساکن اردن در سن ۵ تا ۱۵ سالگی مجبورند در فصل برداشت محصول روزانه ۱۲ ساعت کار کنند، در برزیل کارگر مزارع کشاورزی نه تنها بر حسب جثه قوی اش بلکه با احتساب تعداد فرزندانش استخدام میشود زیرا در این صورت بدون پرداخت بیشتر «راندمان کار» بالاتر است.

این نمونه ها و هزاران نمونه دیگر وضع کلی اکثر کشورهای جهان سوم را نشان میدهد که فقر سنگین، کودکان کم سن و سال را به دخمه ها و کارگاهها و مزارع کشانیده تا بلکه با درآمد کمی که بدست میآورد از فشار گرسنگی حاکم بر خانواده شان بکاهند.

## فحشاء در میان کودکان فقیر

کار کردن کودکان اگرچه حاکی از استثمار و تجاوزگری استعمارگران میباشد اما لااقل روزنه بسیار کوچکی را باقی می گذارد که چنانچه این کودکان جان سالم بدر برده و در زیر فشار سنگین کار بتوانند مقاومت کنند در جوانی، انسانهای پخته و ورزیده ای شده که با کسب آگاهی اجتماعی و ریشه یابی آن، علیه ظالمان و استثمارگران بپا خواهند خاست اما آنچه که این روزنه را هم بسته و حد نهائی شقاوت منفعت طلبان را می رساند استفاده از این کودکان در فحشاء برای بدست آوردن پول بیشتر می باشد.

زمانی که سازمان «یونیسف» سال

فروش و بکارگماردن این کودکان آنقدر زیاد شده که قاچاقچیان را ب فکر انتقال بچه های پیشی به هنگ کنگ انداخته و با فریب والدینشان با توسل باین نیرنگ که «فرزندانشان را بسمت آزادی می برند!» آنها را به هنگ کنگ برده و به بیگاری می کشند.

بر اساس گزارش نیوزویک مورخ اوت ۱۹۸۳ طی یکسال گذشته ۵۲۹ کودک زیر ۱۴ سال که توسط قاچاقچیان به هنگ کنگ حمل میشدند دستگیر شدند که احتمالاً ده برابر این تعداد مخفیانه انتقال پیدا کرده اند.

در مصر ۲۵ تا ۳۰٪ از مجموع کودکان در سن مدرسه مشغول بکارند. در

۱۹۷۹ را سال «جهانی کودک» اعلام کرد و کارگزاران این سیاست شروع به ساختن فیلمهای بزرگ و کوچک کرده و به اصطلاح زندگی یک کودک خوشبخت را به تصویر کشاندند هزاران نوجوان بی گناه بخاطر فقر خانواده به دلالتان فروخته می شدند تا از این راه در آمدی کسب نمایند.

در شهر «بانکوک» مراکز متعددی برای لپو و لعب صاحبان زر و سیم وجود دارد که هزاران کودک معصوم بی گناه و نوجوان را به کام خود کشیده است. در این شهر محله ای بنام «پات بونک» وجود دارد که دلالتان چینی دختران ۱۳ - ۱۴ ساله را در اختیار توریستهای پولدار و عاری از شرف و وجدان می گذارند دلالتان این دختران را در مقابل ۲ هزار «مارک» برای مدت ۲ سال از پدر و مادرشان اجاره کرده و به فحشاء می سپارند.<sup>۹</sup>

این دختران تنها ۲ مارک حقوق می گیرند که با ناهار یا شام بخور نمیری همراه است و مأموران پلیس طبق معمول با گرفتن رشوه چشم فرو می بندند.

این واقعیت تلخ در اکثر مناطق فقیر وجود دارد در «آمریکای لاتین» ارقام فحشاء مربوط به نوجوانان بسیار بالا است در شمال شرقی برزیل جایی که اکثر مردم در سن ۲۸ سالگی پیر میشوند پدران و مادران اگر بتوانند کودک خود را بفروشند شادمان میشوند!<sup>۱۰</sup>

زیرا مطمئن هستند که لااقل از گرسنگی نمی میرند اگرچه در آلودگی محض قرار بگیرند.

در هند بگزارش یک روزنامه هندی<sup>۱۱</sup> پدر و پسری بخاطر ۲۵ روپه

(معادل ۲۵ تومان) بدهی مجبور شدند ۷۷ سال در اسارت زمین داران بزرگ باشند. در اینجا اگر کارگری فوت کند و نتواند بدهی اش را پرداخت کند یکی از اعضاء خانواده اش (معمولا فرزندش) اجبر میشود که بجای پدر کار کند.

سازمان «یونیسف» چرا در این مورد که مثنی از خروار میباشند اظهار نظر نمی کند؟ و چرا در سال جهانی کودک بجای فیلمهای آنچنانی به شرح این بدبختیها نمی پردازد؟ مگر نه این است که اینان بیش از دو سوّم جمعیت کره خاکی میباشند.

البته در «سال جهانی کودک» برای خالی نبودن عریضه مطبوعات غربی لطف نموده تصویریری از یک کودک فلسطینی در یکی از اردوگاهها را چاپ کردند که بنسب ادعای مجله معروف «اشترن» چاپ آلمان غربی این عکس نیز به انتخاب اسرائیلیها بوده است.<sup>۱۲</sup>

آیا این حقایق تلخ نمایانگر این واقعیت نیست که اکثر قریب به اتفاق این سازمانهای عریض و طویل و با اسم های بزرگ برای قریب بوجود

آمده اند؟ کدام یک از این سازمانها تا بحال توانسته اند گرهی از مشکلات ملل جهان سوم بگشایند؟ در حالی که هر روزه آوارگان فلسطینی آواره تر و گرسنگان آفریقا در اتیوپی و غیره... گرسنه تر میشوند «فریاد حقوق بشر» سرداده اند در حالی که فحشاء کودکان که داغ ننگی است بر پیشانی بشریت قرن بیستم هر روز گسترده تر میشود و در حقیقت عاملان آن هم کسی جز خودشان نیست.

آیا واقعیتی عریان تر از این حقایق

میتوان یافت؟ آیا میتوان جز خشکاندن ریشه اصلی این بدبختیها یعنی استعمار چاره ای دیگر اندیشید؟<sup>۱۳</sup>

باید توجه داشت که کار کردن و کار یاد گرفتن کودک کان امریست لازم ولی کاریکه بالاتر از حد توان است کاری که وجود و مزاج یک انسان را سرکوب و فرسوده می کند و کاریکه موجب خشک شدن چشمه استعداد کودکان می گردد و موجب می گردد که آنها بجای آنکه وقت و استعداد خود را در فرا گرفتن علم و فن بکار بگیرند وقت خود را در زیر چنگال عوامل استعماری بگذرانند، ظلم است و استعمار است و بر خلاف منطق انسانی و اسلامی است.

و روشن است که کشیده شدن به راه فحشاء ظلم بیشتر و جنایت هولناکتری است هدف پیغمبر بزرگ اسلام «ص» که فرمود: «اگرهوا اولاد دکم». یعنی فرزندان خود را گرامی بدارید این است که این ودایع الهی در تمام ابعاد زندگی گرامی باشند و از اموری که بر خلاف شئون و شخصیت آنها است معصوم و محفوظ باشند.

## ادامه دارد

- (۱) سفینه البحار ج ۲ ص ۳۷۹.
- (۲) نسج الیلافه کلمات قصار شماره ۳.
- (۳) نسج الیلافه کلمات قصار شماره ۵۳.
- (۴) نسج الیلافه کلمات قصار شماره ۳۱۱.
- (۵) روزنامه لوموند چاپ پاریس فوریه ۱۹۷۹.
- (۶) نقل از مطبوعات خارجی صبح آزادگان ۶۲/۶/۱۵.
- (۷) لوموند چاپ پاریس فوریه ۱۹۷۹.
- (۸) لوموند چاپ پاریس فوریه ۱۹۷۹.
- (۹) مجله اشترن چاپ آلمان غربی اکتبر ۱۹۷۹.
- (۱۰) وحشت در آمریکای لاتین نوشته جان گرامی ترجمه محمد علی آقائی.
- (۱۱) روزنامه، ماسیت من دعلی نوفوریه ۱۹۸۴.
- (۱۲) مجله «اشترن» چاپ آلمان غربی اکتبر ۱۹۷۹.
- (۱۳) روزنامه اطلاعات ۱۷ خرداد ۱۳۶۳.
- (۱۴) بحار الانوار ج ۲۳ ص ۱۱۴.